



۲۰۱۵/۰۷/۰۳



جليل غنى

نواى بى نوائى

مدتی شد که نظر به تکلیف صحی و سفری به افغانستان عزیز در همکاری ام با پورتال وزین و با اعتبار افغان جرمن آنلاين سکتگی به وقوع پیوست و مسرت دارم که توان و فرصت باز هم میسر گردید تا بتوانم به این همکاری ناچیزم دوام دهم و سخن را از دیده ها و شنیده ها در افغانستان آغاز کنم.

از تشکیل حکومت وحدت ملی، که مناسبتر خواهد بود حکومت "تفاق ملی" نامیده شود، بیش از نه ماه می گذرد و درین مدت نه تنها که کار بنیادی و اساسی مبتنی بر وعده های انتخاباتی هر دو رهبر، هم داکتر اشرف غنی و هم داکتر عبدالله، عملی نشده بلکه تا هنوز حتی اعضای کابینه این حکومت هم تکمیل نشده و منتظر رأی اعتماد به نامزد وزیر دفاع است که وقتی بار نخست قرار بود به پارلمان معرفی شود حمله انتحاری بر پارلمان مانع معرفی او گردید.

سایر تعیینات هم به همین منوال است تعدادی از والی های ولایات سر پرست هستند، رئیس و تعدادی از اعضای ستره محکمه سر پرست هستند، بیش از پنجاه کرسی رؤسای وزارت دفاع سر پرست هستند، رؤسای دواير مرکز و ولایات سر پرست هستند. تازه اعلام شد که در ولایت هرات سه هزار شغل ولایتی به معرض داوطلبی قرار داده می شود و وقتی وضع یکی از ولایات درجه اول اینگونه است تصور شده می تواند که وضع سایر ولایات چگونه خواهد بود و درین فصل تهاجم مخالفین مسلح که اکنون با حضور داعش بُعد دیگری هم این جنگ خانه بر انداز گرفته است، روزی نیست که خبری از سقوط یکی از ولسوالی ها و یا درگیری در ولایت دیگری به گوش نرسد و وزیر دفاع آخرین عضو کابینه است که برای رأی اعتماد به ولسی جرگه معرفی می شود در حالیکه این کرسی در نخستین روزهای حکومت وحدت ملی؟ باید تعیین می گردید. نتیجه آن شد که دشمنان مردم افغانستان از این خلای اداره و تصمیم گیری استفاده اعظمی ببرند و بر حملات شان بیافزایند.

هر گاه بخواهیم تمام اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی را مورد تحلیل و تشریح قرار دهیم و ریشه یابی کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد ولی می توان به طور مختصر تا جائیکه گنجایش این مقاله را داشته باشد نظر اندازی نمود.

در بخش نظامی همه خوانندگان و بینندگان و شنوندگان رسانه های جمعی چه رادیو است و چه تلویزیون و چه وبسایت ها از خرابی وضع امنیتی و نظامی اطلاع خواهند داشت. وقتی مرجع با صلاحیتی برای تصمیم گیری در مواقع ضروری وجود نداشته باشد پراگندگی و بی انسجامی نتیجه قطعی چنین وضعی است. زمانیکه از وزیر تا پست های کلیدی دیگر در وزارت دفاع یا سرپرست باشد و یا خالی چه انتظاری می توان در سوق و اداره و لوژستیک مورد نیاز در میدان محاربه داشت. اما شجاعت و رادمردی صفوف قوای امنیتی مخصوصاً اردوی ملی را نباید نادیده گرفت و جانبازی این راد مردان است که دشمنان افغانستان تا کنون نتوانستند بیش از چند روز محدود تسلط شان را بر بخش های کوچکی که تصرف می کنند دوام بدهند. ولی این بلا تکلیفی در مراتب پائینتر نظامیان هم سرایت کرده و قوماندان های قطعات ساعت ها و روز ها به انتظار اوامری از مرکز می مانند که این خود سبب تشدید حملات دشمن و پیش روی آنها می گردد. نرسیدن مهمات و آذوقه و قوای کمکی علت دیگر تشدید حملات

دشمنان افغانستان است. این شکایات سربازان را همه روزه در رسانه های افغانستان می توان دید و شنید.

تشویش های امنیتی که در زمان تضعیف حکومت حزب دیموکراتیک خلق، تحت هر اسم و رسمی که بود، دیده می شد درین روز ها نیز از هر گوشه و کنار به گوش می رسد. چنین تشویش ها سبب رکود اقتصادی، کساد بازار، مسدود شدن فابریکه ها و توقف تولیدات داخلی، بی تفاوتی در برابر مسؤولیت های اجتماعی و فرهنگی و تلاش برای بهره کشی و سوء استفاده و در نتیجه اوج گیری و بیدادگری فساد اداری گردیده است و مردم از مراجعه به دفاتر و اداره های دولتی چنان هراس دارند که حتی الامکان سعی دارند از مراجعه به دفاتر خود داری نمایند و مشکلات شان را از راه های دیگری چون مراجعه به بزرگان و یا زور مندان و یا علما حل می نمایند. بدون دادن رشوه بسیار مشکل است که در اکثر دواير بتوان کاری را از پیش برد کمتر کسی به جرم رشوه محاکمه می شود و تعداد انگشت شماری به میز محاکمه کشانده می شوند و دیده شده که آنها هم یا برائت می گیرند و یا به تناسب جرم شان جزا نمی بینند. رشوت جزء فرهنگ اداری گردیده است و بسیار آزادانه هر پیاده دفتر، مامور، رئیس و کارمند دفتر تقاضای پول در برابر کاری که وظیفه اوست و مکلفیت دارد آنرا انجام دهد، می نماید یا مستقیم و یا بالواسطه در غیر آن باید روز ها دويد تا یک امضای عادی را بدست آورد.

فرار مغز ها معضل عمده دیگری است که دامنگیر جامعه افغانی گردیده است. هر کسی مخصوصاً قشر تحصیل کرده و خانواده ها در تشویش از آینده فرزندان شان سعی دارند از هر راه ممکن کشور را ترک گویند. بیکاری علت عمده این فرار هاست. لیسانسه ها دست فروشی می کنند و بی سوادان واسطه دار کرسی نشینان چوکی های پولدار هستند. شصت در صد نفوس افغانستان جوانان هستند ولی فیصدی محدودی از این نسل جوان و پر تلاش و تحصیل کرده سعادت داشتن کار آبرومندی را دارد.

نزول در سوئیة تحصیل با رشد تشبثات خصوصی تحصیلات عالی بدون نظارت لازم از نصاب تعلیمی و سوئیة تحصیل دیده می شود و هیچ مرجع باصلاحیتی از نصاب های تحصیلی این مؤسسات که بر شمار آنها هر روز افزوده می شود نظارت ندارد و در نتیجه محصلان و فارغ التحصیلان این مؤسسات مؤفق به دریافت کار مناسبی نمی گردند. بگذریم از اینکه این اسناد تحصیلی به معیار های جهانی مطابق ندارد و در هیچ جای دیگری مورد قبول واقع نمی شود.

در بخش فرهنگی با بر گشت پناهندگان افغان از کشور های مختلف مخصوصاً همسایگان، ایران و پاکستان که تعداد کثیری از مهاجرین در دوران اشغال افغانستان توسط قشون سرخ شوروی درین کشور ها بسر بردند و هنوز هم طبق آمار جدید در حدود سه میلیون مهاجر افغان درین دو کشور زندگی میکنند، تغییرات فاحشی در فرهنگ اصیل افغانی شامل عنعنات، رواج های اصیل افغانی، زبانهای رسمی دری و پشتو، لهجه های گفتاری، استعمال کلمات و جملات، اصطلاحات، اسلوب نگارش، لباس، طرز برخورد و مصافحه، نشست و بر خاست، طعام خوردن، عروسی ها ، فاتحه ها، مناسبات اجتماعی و.... به مشاهده می رسد که هیچ یک از این تغییرات مثبت ارزیابی شده نمی تواند و رنگ و بوی و اصالت فرهنگ غنی و تاریخی جامعه افغانی را متأثر ساخته است.

قسمت اعظم این نا بسامانی ها و هرج و مرج از اختلافات بین رئیس جمهور و رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی آب می خورد. درین حکومت از همان روز های نخست، که به ابتکار جان کری وزیر خارجه ایالات متحده تشکل داده شد، اختلافات بروز نمود و تا امروز ادامه دارد و هنوز هم دوام خواهد کرد. این اختلافات ریشه در دیدگاه متضاد دو جناح تشکیل دهنده حکومت دارد. دیدگاه داکتر اشرف غنی رئیس جمهور بر تکیه بر اصول اقتصادی بازار آزاد و اتکا به تشبثات خصوصی و رشد آن و از نگاه سیاسی متمایل به اسلوب دیموکراسی غربی و اتکا به قشر تحصیل کرده و جوان و همچنان تمکین در برابر ترکیب و اصول قبیلوی و یا قومی جامعه افغانی است که چه در جریان مبارزات انتخاباتی و چه

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

بعد از احراز کرسی ریاست جمهوری در یک توافق سیاسی، و تشکیل حکومت وحدت ملی در تعیینات و تصمیمات او میتوان مشاهده کرد.

ولی از جانب دیگر داکتر عبدالله که از تقریباً چهل سال به این طرف با مجاهدین هم سنگر بوده از نگاه اقتصادی و سیاسی لاجرم نیت و تقاضای های هم سنگران را باید رعایت کند و از جناحی نمایندگی می کند که خود را نمایندگان مجاهدینی می داند که با خونریزی های بیدریغ باعث نجات افغانستان از یوغ استعمار سرخ و حکومت کمونیستی گردیدند و برای تشکیل یک حکومت مبتنی بر اصول و ارزشهای اسلامی مبارزه نمودند. از جانب دیگر این دو جناح ناگزیرند خواسته ها و نظریات متحدین شانرا که در جریان انتخابات ریاست جمهوری در پهلوی شان قرار داشتند و تعهداتی هم در برابر این متحدین دارند، در نظر داشته باشند که این خواسته ها و موقف گیری های هر دو طرف در تقابل قرار دارد. من در ۲۹/۰۸/۲۰۱۴ مضمونی تحت عنوان "گروگان ظلمت" نگاشته بودم که در پورتال وزین افغان جرمن نشر و در آن علل اختلاف این دو جناح و ترکیب دو تیم "تحول و تداوم" و "اصلاحات و هم گرایی" را خاطر نشان کرده و اختلافات ریشه پی آنها را مختصراً توضیح داده بودم که خوانندگان محترم می توانند با مراجعه به آرشیف نویسندگان آنرا مطالعه نمایند.

هیچ یک از وعده ها و تعهد های آقایان غنی و عبدالله، به شمول عمده ترین رکن آن که تشکیل کمیسیون اصلاحات انتخاباتی است، تا همین امروز بر آورد نشده است. دو هفته پیش اعلان شد که این کمیسیون تا اخیر همان هفته بکار آغاز می کند ولی تا امروز هم خبری از آن نیست. این نشان می دهد که کشمکش بین دو جناح چنان عمیق است که هنوز هم روی یکی از تعهدات عمده نتوانستند به توافق برسند چه رسد به تعیینات اشخاص. هفته پیش بود که معاون سخنگوی رئیس اجرائیه به صراحت اعلام داشت که آقای غنی بر اساس یک تفاهم به این عهده انتصاب شده نه بر مبنای رأی مردم و در انتخابات بازنده بود. که عمق اختلاف حکومت "نفاق ملی" را تبارز می دهد. حالا اینکه این حکومت بر اساس تفاهم بوده و یا رأی مردم، وقتی دو جانب تعهدی به جامعه بین المللی و مردم افغانستان دادند که منافع شخصی را نا دیده گرفته و منافع و مصالح علیای کشور را در نظر می گیرند، انتظار می رود که به حیث یک حکومت مشروع، نه اشخاص انفرادی، با در نظر داشت اعتبار و حیثیت حکومت افغانستان و به نمایندگی از ملت با شهامت افغانستان به تعهدات شان وفا نمایند.

عنوان این مقاله را "نوای بی نوائی" گذاشتم و نا امید می بودم از همینجا نشأت کرده است. شاهد بودیم که مردم افغانستان دو بار به پای صندوق های رأی رفتند جان بازی نمودند و انگستان شانرا از دست دادند به امید اینکه آینده بهتری و حکومت بهتری از گذشته داشته باشند ولی غافل از اینکه میراث شوم رشوت، از هم پاشیدگی، ورشکستگی اقتصادی، فساد اداری، جنگ و ویرانی و مصائب دیگر حکومت گذشته همچنان دوام می یابد و امید های آنها به یاس مبدل میگردد.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ